

فرزانه خلیلی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

مجید افشاری راد

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی

عبدالرحیم هاشمی دیزج

استادیار مدیریت و اقتصاد دانشگاه محقق اردبیلی

مهدی یزدان شناس باحقوق

دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

اثر غیر خطی نهادها و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه

(رهیافت الگوی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی)

چکیده

هدف: دستیابی به رشد اقتصادی مناسب و مطلوب از اولویت‌های اصلی هر سیستم و نظام اقتصادی محسوب می‌شود. در این راستا تئوری‌های اولیه رشد اقتصادی بر سرمایه فیزیکی و انسانی به عنوان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی تأکید داشتند اما نهادگرایان وجود عواملی نظیر نهادها و مدیریت منابع طبیعی را برای رشد اقتصادی مطلوب و مناسب مهم و حائز اهمیت تلقی می‌کنند.

روش: برای این در این پژوهش تأثیر شاخص کلی حکمرانی خوب و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه با بهره‌گیری از الگوی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی طی سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۱۹ مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج تخمین مدل بیانگر وجود ارتباط غیرخطی از نوع انتقال ملایم لجستیکی بین شاخص حکمرانی خوب و وفور منابع طبیعی با رشد اقتصادی در این گروه از کشورها بوده است. همچنین در هر دو بخش خطی و غیرخطی تأثیرگذاری متغیرهای حکمرانی خوب و وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه افزایش یافته و سرعت انتقال مدل برابر با ۱/۴۶ می‌باشد. سایر متغیرهای توضیحی انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی نیز در هر دو بخش مثبت و معنی‌دار می‌باشد.

نتیجه‌گیری: در سطوح بالای حکمرانی (سطوح پایین فساد و مقررات زاید و محدودیت‌های سیاسی و سطوح بالای ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و اثربخشی دولت) که کیفیت نهادها نیز در سطح بالایی است، تمامی مؤلفه‌های حکمرانی خوب باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی گردیده و موجب تسریع در نرخ رشد اقتصادی می‌شوند.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، نهادها، وفور منابع طبیعی، هشت کشور اسلامی در حال توسعه، رهیافت الگوهای انتقال ملایم

در داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: C23, O47, I25

تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصاد یک واقعیت تثبیت شده است. تأثیر نهادهای انتخاب شده، ساختار بازار و سیاست‌های اقتصادی برای رشد اقتصادی میان مدت و بلندمدت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کورنلیوس و همکاران^۱، ۲۰۰۲). شاخص رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد^۲، یکی از شناخته شده ترین ابزار تعریف شده بعنوان خوشه‌ای از نهادها، ساختار و سیاست‌های ذکر شده است. در واقع، این شاخص برای تعریف عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی تعریف شده است. به عبارت دقیق تر، شاخص ذکر شده به منظور اندازه گیری قابلیت‌های اقتصاد ملی برای دستیابی به سطوح بالای رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در میان مدت طراحی شده است (هو و ساچز^۳، ۱۹۹۷). همچنین در یک چارچوب وسیع، ارتباط بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی، نشان داده شده و به اثبات رسیده است.

تا دهه ۱۹۹۰، در الگوهای رشد تنها عوامل اقتصادی دخالت داشتند، اما از آنجایی که این الگوها نتوانستند علت تفاوت در آمد سرانه کشورها را بطور کامل توضیح دهند، نظریات جدیدی از جمله اقتصاد نهاد گرای جدید^۴ در ادبیات رشد ایجاد و گسترش پیدا کرد که رشد اقتصادی را تنها محدود به عوامل اقتصادی نمی دانستند. طرفداران اقتصاد نهاد گرا، نهادها را شکل دهنده محیط اقتصادی کشورها می دانستند و عامل اصلی عقب ماندگی برخی کشورها را نه کمبود سرمایه بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد بیان می کردند. از این رو عامل نهادی را که در الگوهای پیشین رشد مفروض گرفته می شد، از عوامل مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند. از سوی دیگر، الگوهای نئو کلاسیک رشد تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت در عوامل اقتصادی نظیر سرمایه (فیزیکی و انسانی) و بهره‌وری می دانستند اما تفاوت در انباشت سرمایه و بهره‌وری خود ریشه در عواملی دارد که اقتصاددانان نهاد گرا آن را ساختار نهادی هر کشور معرفی می کنند. به طوریکه علت اصلی پایین بودن سطح درآمد سرانه در کشورهای توسعه نیافته را کمبود سرمایه و نیروی کار متخصص نمی دانند بلکه فقدان بستر نهادی مناسب برای فعالیتهای اقتصادی مولد و انباشت سرمایه را عامل اصلی آن می دانند. ادبیات اقتصاد سیاسی جدید رشد که از در هم آمیختگی نظریه جدید "رشد درونزا" و "اقتصاد سیاسی کلان" نوین توسعه یافته، از اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع و در اواخر دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. انتخاب سیاست که عموماً از طرف اقتصاددانان به عنوان متغیری برونزا در ادبیات جدید به طور درونزا مورد بررسی واقع گردید. یعنی عواملی نظیر نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و ... وارد تحلیل‌های رشد شده و تحت عنوان عوامل نهادی مورد ارزیابی واقع گردیدند (ابراهیم پور و همکاران، ۱۳۹۹). اغلب مطالعات تجربی انجام شده اثر نهادها بر رشد اقتصادی را مثبت برآورد می کنند. از سوی دیگر مطالعات نظری و تجربی دلالت بر تأثیر گذاری رشد تولید و درآمد ملی بر نهادها نیز دارند. در اغلب پژوهش‌های داخلی صورت گرفته همانند فاتحی دابانلو و همکاران (۱۳۹۶) و ملکی حسنونند و همکاران (۱۳۹۸) در رابطه با ارتباط نهادها و رشد اقتصادی، تنها علت از سمت نهادها به رشد اقتصادی از کانال‌هایی مانند افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، بهبود سرمایه انسانی و

¹ Cornelious et al

² Growth Competitiveness Index of the World Economic Forum

³ Hu & Sachs

⁴ New Institutional Economics

سرمایه فیزیکی، کاهش عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله و بهبود سرمایه اجتماعی بررسی شده است. پس از تبیین اهمیت داشتن رشد اقتصادی مطلوب و لزوم توجه به شاخص نهادی و وفور مدیریت منابع طبیعی، سؤال این تحقیق به این صورت مطرح می‌شود که شاخص حکمرانی خوب و وفور مدیریت منابع طبیعی چه تأثیری بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه^۱ طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ دارد. برای این منظور در بخش دوم به مروری بر ادبیات تحقیق پرداخته شده و در قسمت سوم، تصریح مدل و پایگاه داده‌های آماری ارائه می‌شود. بخش چهارم به ارائه نتایج تجربی پرداخته و در نهایت در قسمت پنجم نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و سیاست‌گذاری بیان می‌شود.

مروری بر ادبیات تحقیق

در این بخش به مروری نظری و تجربی بر رابطه شاخص نهادی و مدیریت منابع طبیعی با رشد اقتصادی پرداخته شده و در ادامه مهمترین مطالعات تجربی صورت گرفته در خارج و داخل کشور مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

مبانی نظری تحقیق

در نظریات رشد اقتصادی جدید بر تاثیر نهادهای سیاسی و اقتصادی و همچنین حکمرانی بر تولید و رشد اقتصادی تاکید دارند. عجم اوغلو و رایینسون^۲ (۲۰۱۲) ریشه‌های قدرت، شکوفائی و فقر مثال‌های متعدد از برهه‌های مختلف تاریخ را به همراه شواهد و مدارکی متعدد معرفی می‌کند که در همه آن‌ها، تصمیم‌گیری‌های نامناسب توسط رهبران به‌عنوان یک وجه مشترک مشاهده می‌شود. روشن است که باید دید چه چیز این رهبران و نظام تصمیم‌گیری را به نقطه مزبور رسانده است. از نظر عجم اوغلو و رایینسون (۲۰۱۲)، عملکرد این نهادها و صحت و یا عدم صحت عملکرد آن‌ها است که دست آخر منجر به ظهور طبقه‌ای از نخبگان و تصمیم‌سازان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره می‌شود که مجموع و برآورد تصمیم‌گیری‌های آن‌ها جامعه را به سمت و سوی خاص و بهبود رشد اقتصادی و درآمد سرانه هدایت خواهد کرد. حال، اگر این سمت و سوی مناسب و متناسب با آن برهه تاریخی جامعه و جهان باشد جامعه به پیروزی در اهداف اقتصادی از جمله رشد اقتصادی و بهبود درآمد سرانه می‌رسد. اگر هم، چنین نباشد می‌توان گمان برد که به انحطاط و افول راهی خواهد شد. عجم اوغلو و رایینسون، تاکید دارند جوامع با کارکرد نامناسب به دولت‌هایی ناموفق تبدیل می‌شوند، اما می‌توان در این باره کاری کرد. می‌توان دولت‌هایی با زیرساخت و نظم و قانون داشت که مردم با اطمینان و آرامش به کار و کسب بپردازند و متکی به خدمات عمومی باشند، اما اراده سیاسی برای این کار وجود ندارد. نیازی به وجود ارتش و نظامیان برای اجرای چنین طرح و برنامه‌هایی نیست؛ آنچه لازم است دقیقاً یک نظام اداری کارآ و توانمند است تا بنیان‌های نهادی بازارها را برپا سازد. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت در مدل‌های سنتی رشد، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شدند. این مدل‌ها ریشه تفاوت نرخ سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ پس‌انداز و نرخ رشد عوامل تولید نسبت می‌دادند. در دومین مرحله اقتصاددانان تلاش نمودند تا با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر، همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه‌یافتگی بخش مالی، اهمیت و کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند (شریف‌آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲). در این مسیر حتی تفاوت کارکرد فناوری در کشورها و مناطق مختلف مورد نظر قرار گرفت؛ ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده

۱. گروهی اقتصادی متشکل از هشت کشور در حال توسعه اسلامی شامل ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه است.

قابل توجه بود. در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی متمرکز کردند. توجه به عوامل غیراقتصادی از جمله نهادها به عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها به طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به طور خاص با رشد اقتصادی و درآمد سرانه وجود دارد. (رنانی، ۱۳۷۶). در این باره بیان می‌دارد، برخلاف باورهای مرسوم که تحقق رشد اقتصادی را یا مستلزم دولتی شدن اقتصاد می‌دانند و یا مستلزم بازاری شدن اقتصاد، اقتصاد نهادگرایی جدید بر این باور است که اقتصاد باید ترکیب بهینه‌ای باشد از نهادهای بازاری و غیربازاری؛ یا با واژگان کلاسیک، ترکیبی از بازار، برنامه و سنت؛ و یا با واژگان نهادگرایان، ترکیبی از بازار، دولت و بنگاه (به مفهوم یک مجموعه نهادین منظم، هدفمند و دارای سلسله مراتب). اما این مجموعه نهادها، باید به گونه‌ای ترکیب شوند که نه تنها هزینه مبادله (در قراردادهای خصوصی میان کارگزاران اقتصادی) و سواری مجانی (در تصمیمات جمعی) را حداقل سازند (که برای کارایی تخصیصی بازار، ضروری است) بلکه سایر شاخص‌های عملکرد اقتصاد را همچون امنیت، عدالت توزیعی، مروّت و همدردی، آزادی و... نیز بهبود بخشند (کارایی برتر). عجم اوغلو و همکاران نیز (۲۰۰۲) اعتقاد دارند تفاوت‌های عمیق کشورها در گذار، بحران‌ها و عملکردهای رشد، دلایل نهادی دارد و عملکرد ضعیف اقتصاد کلان و انحراف سیاست‌های کلان اقتصادی نشانه‌های این بیماری نهادی هستند.

واژه حکمرانی " بسیار انعطاف پذیر و چند بعدی است ". اما اکثر تعاریف حکمرانی مرتبط با " میزانی است که دولت‌ها به شهروندان پاسخگو هستند و یکسری خدمات اساسی از جمله حفاظت از حقوق مالکیت و به طور کلی تر حاکمیت قانون^۱ را برای آنها فراهم کرده و همچنین میزانی است که نهادها به تصمیم گیرندگان دولتی انگیزه لازم برای پاسخگویی به شهروندان را ارائه می‌کند ".

در تلاش برای درک اثرات اقتصادی حکمرانی، یک رشته از تحقیقات باید بر دلایل تفاوت نهادها در بین کشورها متمرکز شود. به عبارت دیگر، چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که در ارائه خدمات به شهروندان شان در مقایسه با سایر کشورها ناکارآمد هستند؟ چرا در برخی کشورها فساد شایع است و در سایرین اینگونه نیست؟ چرا در کشورهای مختلف، در بوروکراسی اداری و یا حفاظت از حقوق مالکیت تفاوت مشاهده می‌کنیم؟ ادبیات اخیر در حوزه اقتصاد توسعه تلاش دارد تا به برخی از این سوالات پاسخ دهد.

در پاسخ به این سوال که چرا برخی کشورها نهادهایی دارند که گرایش به کند نمودن رشد اقتصادی دارد، نظریات متفاوتی بیان شده است که تفاوت در جغرافیا، فرهنگ و نهادها به عنوان اصلی‌ترین دلایل تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف ذکر شده است. اما از بین این عوامل تفاوت در نهادهای اقتصادی و سیاسی به عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عامل تفاوت در عملکرد اقتصادی جوامع به شمار می‌آید. محققان متعددی ارتباط بین ساختارها و نهادهای سیاسی، نهادهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. نظریه‌های سیاسی خاطر نشان می‌سازد که نهادها به وسیله کسانی که در قدرت هستند شکل می‌گیرند. آقیون و دورلوف^۲ (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که گروه‌های با منافع مختلف نهادهای متفاوتی را ترجیح می‌دهند و گروهی که قدرت سیاسی بیش‌تری دارند، نهایتاً تصمیم می‌گیرد که چه نهادهایی حاکم شوند.

^۱ قانون تساوی افراد در برابر قانون (the rule of law)

^۲ . Aghion & Durlauf

سوال این است که چگونه این نهادها روی پیامدهای اقتصادی اثر می‌گذارند؟ یک جواب آن است که نهادهای سیاسی و اقتصادی مناسب و کارآمد منافع عموم را حداکثر کرده و حاکمان در این ساختارها مسئول تمامی اقدامات و تصمیمات خود هستند؛ در حالی که نهادهای نامناسب منافع حزبی یا فردی را به بهای منافع عموم جامعه حداکثر کرده و در این حالت حاکمان پاسخگوی جامعه نیستند و تلاش برای کسب منافع بیش‌تر و رانت‌های گسترده‌تر ممکن است منجر به تخصیص ناکارآمد منابع از منظر رفاه عمومی شود. علاوه بر این منابع به جای فعالیت‌های مولد فدای فعالیت‌های بی‌فایده جست و جوی رانت می‌شوند حکمرانی خوب سرمایه انسانی و کارایی استفاده از منابع را بهبود بخشیده و از این رو رشد اقتصادی را تحریک می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

حکمرانی خوب برای حفظ و نگهداری یک سیستم سیاسی صدا در یک کشور مورد نیاز است. پس از آنکه نظام سیاسی باثبات گردید، رشد اقتصادی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بنابراین، حکمرانی خوب واقعاً در سطح کلان مهم است. علاوه بر این، حکمرانی خوب واقعاً در سطح خرد نیز مورد نیاز است، حتی زمانی که شخصی یک مغازه کوچک و یا یک شرکت در سطح ملی اداره می‌کند، نیز حکمرانی خوب مورد نیاز است. امروزه تلاش بسیاری از اقتصاددانان برای ایجاد و برقراری حکمرانی خوب است که در محیط‌های دانشگاهی امروز نیز بسیار راجع به آن بحث می‌گردد و بخش وسیعی از شعارهای سیاسی را نیز بخود اختصاص داده است. با وجود اینکه در مطالعات مختلف، حکمرانی خوب پیش‌نیاز رشد اقتصادی است، اما هنوز رابطه بین این دو متغیر فراگیر نشده است (زیر و خان، ۲۰۱۴).

فرض حکمرانی خوب بعنوان پیش‌نیاز مهم رشد، بوسیله مطالعه کافمن و کرای (۲۰۰۲) تأیید شده است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی تأثیر مهمی بر رشد میان‌مدت و بلندمدت می‌گذارد. سایر نتایج این مطالعه، و البته نتیجه کاملاً جدید، اشاره به این دارد که سطوح حکمرانی بهبود نمی‌یابد مگر با توجه به فرآیند توسعه. عبارت دیگر، رشد بالا به خودی خود، مستلزم کیفیت حکمرانی بهبود یافته نیست. مطابق با آن نتیجه، برای دستیابی و بهبود سطوح پایدار رشد میان‌مدت و بلندمدت، لازم است بطور آگاهانه‌ای در ساختار، فرآیندها، نهادها و بازیگرانی که دستگاه دولتی را تشکیل می‌دهند، مداخله صورت گیرد (وهووار و جاگر، ۲۰۰۳).

در ادامه به بررسی تأثیر متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. یکی از متغیرهای مهم که تقریباً در تمام معادله‌های تولید و رشد وجود دارد، متغیر انباشت سرمایه فیزیکی است. سرمایه‌گذاری، عامل عمده پیشرفت اقتصادی بشمار می‌آید و به معنی عام عبارت است از تمام هزینه‌هایی که موجب حفظ، ایضا و یا افزایش ظرفیت‌های تولید، و همچنین ایجاد درآمد می‌شود (فورمن و هایس^۱، ۲۰۰۴). بطور کلی توسعه پایدار مبتنی بر دانش و فناوری است و توسعه دانش و فناوری نیز بر پایه خلاقیت و نوآوری صورت می‌پذیرد. از دیگر سو، دستیابی به توسعه علمی مستلزم افزایش و تجمع منابع، امکانات و تسهیلات مادی بیشتر به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است. از دیدگاه نظریه کلاسیک، انباشت سرمایه کلید توسعه اقتصادی است (الماسی و سپهان قره‌بابا، ۱۳۸۸). در معادله رشد نئوکلاسیک، سرمایه و نیروی کار از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تولیدات داخلی به شمار می‌روند. لاندون‌لین و رابرتسون^۲ (۲۰۰۳) و ایواساکو و فوتاگامی^۳ (۲۰۱۳) از این متغیر در مطالعه خود استفاده کرده‌اند.

1. Furman and Hayes
2. Landon-Lane and Robertson
3. Iwaisako and Futagami

دیگر متغیر موجود در معادله رشد، متغیر سرمایه انسانی است. کوزنتس (۱۹۷۱)، اعتقاد داشت مفهوم سرمایه که تنها سرمایه فیزیکی و کالایی را شامل می‌شود؛ مفهومی ناقص و نارساست. لذا، باید سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی هر دو به حساب آیند. او در این ارتباط می‌گوید: سرمایه انسانی یک کشور صنعتی پیشرفته، ابزارها و ادوات صنعتی آن کشور نیست؛ بلکه، اندوخته دانش‌هایی است که از آزمایش‌ها به دست آمده و کار آموختگی افراد آن کشور برای به کار بردن این دانش‌هاست.

همچنین، شولتز^۱ پدر نظریه سرمایه انسانی معتقد بود نقش بهبود کیفیت نیروی کار که از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی حاصل می‌شود، به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تولید در تحلیل‌های سستی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی فراموش شده است (شولتز، ۱۹۶۱). به همین دلیل، گروهی از اقتصاددانان با استفاده از توابع تولید تلاش کردند تا تولید اضافی ایجاد شده به وسیله سطوح بالاتر آموزش را برآورد کنند. استدلال آن‌ها این بود که افزایش سطوح آموزشی، تولید مادی را بالا می‌برد زیرا، نتایج آموزش رسمی و غیررسمی در مهارت‌های اضافی و توانایی‌های بالقوه افرادی که در بازار کار بوده و سرمایه انسانی در تولید را تشکیل می‌دهند، مستتر است. در نتیجه، وجود این افراد آموزش دیده موجب می‌شود ظرفیت تولیدی کل اقتصاد بالا رود و در نهایت، به رشد اقتصادی کمک کند (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۲). پولاسک و همکاران^۲ (۲۰۱۰)، گول ژفسکا^۳ (۲۰۱۰)، سوندی و ویشر^۴ (۲۰۱۱) نیگو^۵ (۲۰۱۲) در مطالعات خود از این متغیر استفاده کرده‌اند.

فراوانی منابع طبیعی دیگر متغیر لحاظ شده در معادله رشد است. در مقابل نظریاتی که بر نقش مثبت و فور منابع طبیعی در فرآیند تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی تاکید دارند، نظریه نفرین منابع که در سال ۱۹۹۳ توسط آوتی^۶ مطرح شد، به ارتباط معکوس بین و فور منابع طبیعی و رشد و توسعه اقتصادی اشاره دارد (اسدی و همکاران، ۱۳۹۲). این نظریه بر مبنای این شناخت اساسی است که اقتصادهای فقیر از لحاظ منابع، عملکرد بهتری در مقایسه با اقتصادهای ثروتمند از لحاظ منابع، داشته‌اند و همچنین بر آثار نهادی و سیاسی فراوانی منابع طبیعی تاکید دارد (یوسایی^۷، ۱۹۹۷). ارتباط منفی میان فراوانی منابع طبیعی و عملکرد رشد همچنین از طریق اثر فراوانی منابع طبیعی بر انتخاب سیاستی توضیح داده می‌شود: هرچه کشورها از لحاظ منابع طبیعی ثروتمندتر باشند، اولاً سیاست‌های کلان ضعیف در مدت زمان طولانی‌تر دوام می‌یابد. ثانیاً فشار کمتری برای رسیدن به بلوغ صنعتی سریع وجود خواهد داشت. ثالثاً، گروه‌های رانت‌جو ریشه‌دار شده و در نهایت احتمال کاهش شتاب و نامنظم‌تر شدن رشد اقتصادی بیشتر می‌شود (آوتی، ۱۹۹۴). کاواکانتی و همکاران^۸ (۲۰۱۱)، فان و همکاران^۹ (۲۰۱۲) و حمدی و سبیا^{۱۰} (۲۰۱۳) از این متغیر در پژوهش‌های خود استفاده کرده‌اند.

1. Schultz
2. Polasek et al
3. Golejewska
4. Sunde and Vischer
5. Neagu
6. Auty
7. Usui
8. Cavacanti et al
9. Fan et al
10. Hamdi and Sbia

دیگر متغیر موجود در معادله، متغیر انباشت جریان سرمایه گذاری خارجی است. انباشت سرمایه داخلی به عنوان یکی از پیش نیازهای اساسی فرآیند تولید، از منابع داخلی یا خارجی قابل تأمین است. منابع مالی خارجی به عنوان مکملی برای پس انداز داخلی افزون بر پر کردن شکاف پس انداز - سرمایه گذاری، راه حلی برای مقابله با شکاف منابع ارزی نیز است. جریان سرمایه گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی بیشتر به وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت های چندملیتی صورت می گیرد و از آن به عنوان جریان خصوصی سرمایه یاد می شود (شاه آبادی و محمودی، ۱۳۸۵).

تئوری های اقتصاددانان در خصوص جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی و عوامل مؤثر بر آن به دو شکل است، نخست: بررسی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به عنوان بخشی از سرمایه گذاری، همچنان که تئوری های اقتصاد کلاسیک، سرمایه گذاری را یکی از عوامل رشد اقتصادی می دانند. اما تئوری های جدید اقتصادی افزون بر محفوظ نگهداشتن نقش تاریخی برای سرمایه گذاری، دانش، فناوری و شیوه های جدید مدیریتی را نیز که بخشی از آن را از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی می توان به دست آورد، در رشد اقتصادی مؤثر می دانند. جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی افزون بر رفع کمبود سرمایه در کشور میزبان، با داشتن دو عامل جدید رشد، اهمیت زیادی در تئوری های اخیر دارد. بعضی از اقتصاددانان نیز جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به عنوان بخشی از تجارت بین الملل مورد کنکاش قرار داده اند. در این رویکرد سرمایه گذاری مستقیم تابع مقررات بین المللی است که به نظریه ترکیبی دانینگ^۱ معروف است، جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی تابع موقعیت های مکانی است (فراوسن و ژوزفسون^۲، ۲۰۰۴). ارشدخان و علی خان^۳ (۲۰۱۱)، تیواری و موتاسو^۴ (۲۰۱۱) و بالتابائوف^۵ (۲۰۱۳) از این متغیر در مطالعات خود استفاده کرده اند.

پیشینه تحقیق

در این بخش مهمترین مطالعات تجربی در رابطه با تاثیر عوامل نهادی و منابع طبیعی بر تولید و رشد اقتصادی بررسی می شود.

آودولاج و همکاران^۶ (۲۰۲۱) با استفاده از رهیافت داده های تابلویی به بررسی تأثیر شاخص ادراک فساد و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۲ کشور اروپای شرقی طی سال های ۲۰۱۸-۲۰۰۰ پرداخته اند. نتایج پژوهش دلالت بر تأثیرگذاری مثبت و معنی داری اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم گری مقررات و شاخص ادراک فساد بر درآمد سرانه کشورهای مورد مطالعه دارند.

سیهام^۷ (۲۰۲۰) با بهره گیری از رهیافت داده های تابلویی پویا و تخمین زننده گشتاور تعمیم یافته به بررسی اثرگذاری شاخص حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۲۰ کشور منتخب در حال توسعه طی سال های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ پرداخته و به این

-
1. Dunning
 2. Frawsen and Josefsson
 3. Arshad khan and Ali khan
 4. Tiwari and Mutascu
 5. Baltabaev
 6. Avdulaj et al
 7. Siham

نتیجه می‌رسند که شاخص‌های حکمرانی خوب، درجه بازبودن اقتصاد و سرمایه انسانی تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی طی سال‌های مورد مطالعه داشته‌اند.

ماتالاه^۱ (۲۰۲۰) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی ایستا و روش اثرات ثابت و تصادفی به بررسی نقش حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۱ کشور صادرکننده نفت در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرد که شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی داشته و در خروج اقتصاد این کشورها از نفرین منابع طبیعی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

ایسماهن و نجه^۲ (۲۰۱۹) با استفاده از روش همجمعی حداقل مربعات تصحیح شده و پویا به بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و حکمرانی خوب در مراکش طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرند در بلندمدت شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی این کشور دارند.

عبدالباری و بنهین^۳ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا و تخمین زنده گشتاور تعمیم یافته به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۰۱ کشور طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۵ پرداخته و نتیجه‌گیرند شاخص کیفیت مقررات، سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارند.

هیسام اوغلو^۴ (۲۰۱۸) به بررسی اثر نهادها و رشد اقتصادی در ترکیه طی بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۸۷ می‌پردازد. این بازه زمانی به دلیل حرکت ترکیه در مسیر عضویت اتحادیه اروپا به عنوان عامل محرک بهبود کیفیت نهادی انتخاب شده است. نتایج این پژوهش ضمن تصریح بر نقش مهم نهادها بر رشد اقتصادی ترکیه، نشان می‌دهد تأثیر کیفیت قوانین و بروکراسی و همچنین مدیریت تضادهای اجتماعی و تنش‌های سیاسی بیش از سایر شاخص‌های نهادی بر رشد اقتصادی ترکیه اثرگذار بوده است.

هوانگ و هانگ هو (۲۰۱۷) با استفاده از روش علیت گرنجر به بررسی رابطه علی بین حکمرانی خوب و رشد اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداخته و نتیجه می‌گیرند رابطه علی یک سویه از حکمرانی خوب به رشد اقتصادی در این کشورها برقرار می‌باشد.

پوترمن^۵ (۲۰۱۳) به بررسی اثر نهادها و ظرفیت‌های اجتماعی بر رشد اقتصادی در نواحی مختلف جهان و بازه‌های مختلف زمانی بعد از انقلاب صنعتی تا کنون می‌پردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد یکی از دلایلی که برخی از کشورها، رشد سریع اقتصادی را تجربه نمودند، پیشرفت و افزایش ظرفیت‌های اجتماعی کشورها به واسطه بهبود کیفیت نهادها است.

1. Matallah
2. Ismahen & Najeh
3. Abdelbary and Benhin
4. Hisamoglu
5. Putterman

دiaz و Tebaldi^۱ (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط بین سرمایه انسانی و نهادها با رشد اقتصادی با استفاده از رهیافت پانل دیتا و روش گشتاورهای تعمیم یافته برای بیش از ۵۰ کشور منتخب جهان در بازه زمانی ۲۰۰۵-۱۹۶۵ می پردازند. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می دهد بهبود در کیفیت نهادها، انباشت سرمایه انسانی را بهبود بخشیده، نابرابری درآمدی را کاهش داده و حرکت در مسیر تاریخی توسعه را تسریع می کند. همچنین نتایج این مطالعه تاکید می کند زیرساخت های مستحکم و نهادهای ساختاری که برای رشد اقتصادی ضروری بنظر می رسند، عملکرد بلندمدت اقتصادی کشورها تحت تاثیر قرار می دهد، حال آنکه در کوتاه مدت اثر چندانی بر رشد اقتصادی ندارد. همچنین ضریب اثرگذاری نهادهای سیاسی بر بهره وری و رشد بلندمدت اقتصادی، بی معنا است. از طرف دیگر، شدت تاثیر نهادها بر رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه بیش از کشورهای توسعه یافته است.

آرزکی و ون در پلاگک^۲ (۲۰۱۰) به بررسی نقش منابع طبیعی بر درآمد سرانه در دو گروه از کشورها با سیاست های اقتصادی خوب و بد و نقش موثر قانون در اقتصاد می پردازند. نتایج نشان می دهد وابستگی به منابع طبیعی تاثیر منفی و معنی دار بر درآمد سرانه دارد بویژه در کشورهایی که نقش قانون در اقتصاد ضعیف است و یا در آنها سیاست های اقتصادی بد اعمال می شود.

هیونه و جاجو-چاوز^۳ (۲۰۰۹) به بررسی ناپارامتریک تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۱۲۵ کشور (طبقه بندی شده به ۵ گروه اروپای غربی، اروپای شرقی، آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، آسیا و آفریقا) در بازه زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۶ می پردازند. نتایج حاصل نشان می دهد تنها سه شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون از شش شاخص حکمرانی بر رشد اقتصادی تاثیر گذارند و سه شاخص دیگر کنترل فساد، اثربخشی دولت و قدرت تنظیم کنندگی بر رشد اقتصادی بی تاثیر است. همچنین شواهد تجربی نشان می دهد حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون دارای تاثیر غیرخطی بر رشد اقتصادی هستند و این موضوع به علت ناهمگنی شاخص های مذکور بین کشورها، مناطق و زمان هاست. نتایج این مطالعه بیانگر آن است که تغییرات در جهت بهبود شاخص حکمرانی می تواند بیش از اصلاحات دیگر اقتصادی بر رشد اقتصادی موثر واقع شود.

آیدت و همکاران^۴ (۲۰۰۸) به بررسی تاثیر شاخص پاسخگویی سیاسی به عنوان عامل نماگر فساد و همچنین با در نظر گرفتن یک متغیر ابزاری برای مشخص نمودن سطح حکمرانی بر رشد اقتصادی (نرخ رشد بازای هر واحد GDP) در ۸۴ کشور جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ پرداخته اند. نتایج حاصل نشان می دهد تاثیر متغیر فساد بر رشد اقتصادی به رژیم حکمرانی موجود بستگی دارد. زمانی که کیفیت نهادها یا حکمرانی در سطح بالایی هستند، فساد باعث کاهش رشد اقتصادی می گردد. ولی در رژیم با کیفیت نهادی یا حکمرانی پایین تاثیر فساد بر رشد اقتصادی بی معناست. از طرف دیگر، تاثیر فساد بر رشد اقتصادی در کوتاه مدت قوی تر از بلندمدت است.

1. Dias and Tebaldi
2. Arezki and Van der Ploeg
3. Huynh and Jacho-Chávez
4. Aïdt et al

در مطالعه گیلبرت^۱ (۲۰۰۳) اهمیت حکمرانی خوب و کیفیت نهادها در دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف بررسی می‌شود. وی در این مطالعه با استفاده از داده‌های پانل در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ برای ۱۰۲ کشور در حال توسعه جهان، نتیجه‌گیری می‌کند ارتباط مستقیم و معنی‌داری میان شاخص‌های کیفیت مقررات و کارایی دولت به عنوان جانشینی برای شاخص حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی که به وسیله نرخ رشد درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود، وجود دارد. مطالعات بالداسی و همکاران (۲۰۰۳)، هال و همکاران^۲ (۱۹۹۹) و کانگوندو^۳ (۲۰۰۶) نشان دهنده ارتباط مثبت میان حکمرانی خوب و رشد اقتصادی است.

کناک^۴ (۲۰۰۲) در کتابی تحت عنوان «دموکراسی، حکمرانی و رشد اقتصادی» تلاش نموده تا با ایجاد ارتباط میان دموکراسی و حکمرانی، به ارزیابی اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی بپردازد. از این رو از آمار و اطلاعات بین‌کشوری برگزیده کشورهای در حال توسعه در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۰ استفاده نمود. نتایج رگرسیون بیانگر اثر مثبت و معنی‌دار میان وضعیت نهادها و کیفیت حکمرانی است. بنابراین نهادهای دموکراتیک قوی‌تر حکمرانی را تحت تاثیر قرار داده و از طریق کاهش فساد و تسهیل روند تغییرات فناوری، رشد اقتصادی بالاتر را محقق می‌سازند.

گراستین^۵ (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای بصورت تئوریک به بیان ارتباط رشد اقتصادی و حکمرانی پرداخته‌اند. وی با بیان این موضوع که یک جنبه حیاتی این مدل این است که اجرای قانون هنگام هدایت بسوی حمایت بهتر از حقوق مالکیت (و بنابراین ارتقای رشد) دارای هزینه است و نیازمند منابعی است که تنها در اقتصادهایی که به اندازه کافی قوی هستند، وجود دارد. بنابراین، این تحلیل دو حالت را معرفی می‌کند: یک حالت با حداقل حمایت از حکمرانی و درآمد پایین و دیگری با حمایت کامل از حکمرانی و درآمد بالا. در هر دو حالت بهبود شاخص حکمرانی باعث ارتقا رشد اقتصادی می‌گردد.

کميجانی و سلاطین (۱۳۸۹) اثر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی را با استفاده از داده‌های پانل در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان) در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد در ایران کیفیت حکمرانی دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل نیز نشان می‌دهد شاخص کیفیت حکمرانی در هر سه کشور دارای تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ رشد اقتصادی است. میزان تأثیرگذاری این شاخص در ترکیه بیشتر از ایران و پاکستان است.

بشیری و شقاقی شهری (۱۳۹۰) ضمن تبیین مکانیسم ارتباط حکمرانی خوب با کاهش فساد و بهبود رشد اقتصادی، در قالب الگوی اقتصادسنجی پانل برای نمونه کشورهای آسیای جنوب غربی^۶ در بازه زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۶، پرسش «پیاده‌سازی بسته سیاستی حکمرانی خوب موجب رشد اقتصادی کشورها می‌گردد» را مورد بررسی قرار می‌دهند،

1. Gilbert
2. Hall at el
3. Kangundu
4. Knack
5. Gradstein

^۶ ایران، قزاقستان، عربستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین، کویت، قطر، لبنان و بحرین.

در مجموع نتایج بدست آمده از برآورد الگوی رشد تأکیدی بر ارتباط معنی دار و مستقیم بین اجزای مختلف شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای منطقه است.

شاه آبادی و پورجوان (۱۳۹۱) با بیان شاخص حکمرانی به عنوان عامل اساسی توسعه اقتصادی، به تحلیل آماری شاخص های حکمرانی و برخی از متغیرهای توسعه اجتماعی و اقتصادی طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۶ برای ۳۵ کشور برگزیده از آسیای جنوب شرقی، غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا می پردازند. به طور ضمنی، نتایج این مطالعه نشان می دهد، بهبود شاخص های حکمرانی (همچون شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی خدمات عمومی، مقررات تنظیم گری دقیق، تامین قضایی و کنترل فساد) در کشورهای مورد بررسی، می تواند اثرات معناداری بر ارتقا شاخص های توسعه مانند درآمد سرانه، امید به زندگی، بهداشت و آموزش و نرخ بیکاری و بنابراین افزایش رفاه اجتماعی داشته است.

شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۴) با بهره گیری از رهیافت داده های تابلویی به بررسی ارتباط بین حکمرانی و آزادی اقتصادی در کشورهای عضو D8 و G7 طی سال های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ پرداخته و به این نتیجه می رسند که وضعیت کشورهای در حال توسعه D8 در قیاس با کشورهای توسعه یافته G7 در شاخص های حکمرانی و آزادی اقتصادی نامناسب است. همچنین براساس نتایج مطالعه به نظر می رسد، کشورهایی که در بهبود شاخص های حکمرانی موفق تر عمل کرده اند؛ اقتصادهای آزادتری هستند. از اینرو انتظار بر آن است، سیاست گذاران و تصمیم گیران اقتصادی کشورهای مورد مطالعه در برنامه ریزی های اقتصادی اهمیت ویژه ای برای بهبود مؤلفه حکمرانی قائل باشند و زمینه بهبود شاخص های آزادی اقتصادی را مهیا نمایند.

فاتحی دابانلو و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط بین نهادها و توسعه در کشورهای منطقه خاورمیانه طی سال های ۲۰۱۴-۱۹۹۶ می پردازند. یافته های مطالعه نشان می دهد در کشورهای صادر کننده و غیرصادر کننده نفت منطقه خاورمیانه اختلاف معنی داری بین تأثیر متقابل نهادها و توسعه وجود دارد.

محمدی و همکاران (۱۳۹۶) با استفاده از داده های مربوط به کیفیت حکمرانی در ۹۷ کشور جهان در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۰ با استفاده از روش داده های تابلویی به بررسی تاثیر کیفیت حکمرانی و شاخص های آن روی نرخ رشد تولید سرانه پرداخته و به این نتیجه می رسند شاخص های حکمرانی برای گروه های درآمدی متفاوت اثرات همسان و هم جهت ندارند. چنانچه شاخص اظهار نظر و پاسخ گویی فقط در سه گروه از کشورها (گروه های سوم، چهارم و پنجم) اثر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی دارد. شاخص ثبات سیاسی فقط در گروه سوم تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی داشته و در سایر گروه ها این چنین نیست. شاخص کارآمدی دولت فقط در گروه های سوم، چهارم و پنجم تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی دارد. در گروه اول فقط شاخص کیفیت مقررات تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی نشان می دهد.

جلیلی و سلمانی بیشک (۱۳۹۷) با استفاده از داده های ۳۱ کشور غنی از نفت (پروکسی منابع طبیعی) در طول سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ و روش اثرات همبسته مشترک پویای پانل دیتا به مطالعه رابطه وفور منابع حکمرانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد نقش منابع طبیعی در رشد اقتصادی به کیفیت حکمرانی در کشورها بستگی دارد.

ایزدخواستی (۱۳۹۷) به تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر پویایی‌های سرمایه، مصرف و رشد اقتصادی در چارچوب یک الگوی رشد درون‌زا در اقتصاد ایران می‌پردازد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که افزایش کیفیت حکمرانی از طریق اثرگذاری بر ساختار مخارج دولت و کاهش رانت دولتی موجب افزایش ذخیره سرمایه سرانه، تولید سرانه، مصرف سرانه و سطح رفاه در وضعیت یکنواخت شده است.

ملکی حسنوند و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا و تخمین‌زننده گشتاور تعمیم یافته به بررسی تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و اجزای مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۲ می‌پردازند. یافته‌های تجربی این مطالعه بیانگر این است که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. همچنین تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و درجه بازبودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است.

ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش داده‌های تابلویی نامتوازن روش اثرات ثابت به تحلیل نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در رابطه بین جهانی‌شدن و رشد اقتصادی در ۱۳۲ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۷ پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که شاخص حکمرانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص رشد اقتصادی دارد و همچنین شاخص جهانی‌شدن بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد و در نهایت حکمرانی خوب به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر در رابطه بین شاخص جهانی‌شدن و رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

مرور سایقه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در مطالعات صورت گرفته و به ویژه پژوهش‌های داخلی به بررسی کیفی رابطه بین حکمرانی و کیفیت نهادی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از رهیافت داده‌های تابلویی خطی ارتباط بین شاخص‌های حکمرانی خوب و رشد اقتصادی را تبیین نموده‌اند.

از آنجا که انتظار می‌رود در طول زمان و در سطوح مختلف رژیم، کیفیت نهادی مقدار ضرایب و نحوه تأثیرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورها تغییر یابد. لذا، این مطالعه گامی فراتر نهاده و در راستای رفع این نقیصه، با بهره‌گیری از مدل رگرسیونی انتقال ملایم تابلویی بعنوان مناسب‌ترین الگوی تغییر رژیمی ملایم و آرام به بررسی روابط غیرخطی و آستانه‌ای بین این دو متغیر می‌پردازد. بنابراین، نوآوری و وجه تمایز این مطالعه در مقایسه با مطالعات داخلی همانند ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، ملکی حسنوند و همکاران (۱۳۹۸) و جلیلی و سلمانی‌بیشک (۱۳۹۷) مدل‌سازی تجربی و تصریح الگو با استفاده از مبانی نظری مرتبط و نیز برآورد مدل به روش غیرخطی انتقال ملایم در داده‌های تابلویی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ می‌باشد.

تصریح مدل و پایگاه داده‌های آماری

با توجه به مطالب ارائه شده در تبیین رابطه نهادها و رشد اقتصادی در بخش ادبیات موضوع و با الهام از مطالعات تجربی نظیر آودولاج و همکاران (۲۰۲۱) و سیهام (۲۰۲۰)، معادله رگرسیونی در نظر گرفته شده در این پژوهش بصورت زیر است:

$$GGDP_{it} = C + \beta_1 GCF_{it} + \beta_2 HC_{it} + \beta_3 FDI_{it} + \beta_4 RES_{it} + \beta_5 INS_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

متغیرهای مورد استفاده به صورت زیر است:

GGDP: رشد تولید سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰

GCF: انباشت سرمایه ناخالص ثابت به قیمت ثابت سال ۲۰۱۰

HC: متوسط سال های تحصیل افراد بالای ۱۵ سال

FDI: خالص انباشت جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی

RES: مجموع مبالغ حاصل از فروش نفت، گاز، زغال سنگ، مواد معدنی و جنگلی بصورت درصدی از تولید ناخالص داخلی

INS: نهادها. برای نشان دادن این متغیر از شاخص حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه گردیده است استفاده می شود. زیر شاخص های حکمرانی عبارتند از ۱- شفافیت و پاسخگویی (این مؤلفه آگاهی، درک و میزان توانایی شهروندان کشور به منظور مشارکت در انتخاب دولت، آزادی بیان، آزادی احزاب و انجمن ها و همچنین آزادی رسانه را می سنجد). ۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت (این مؤلفه آگاهی از احتمال اینکه دولت بر خلاف قانون اساسی و یا ابزارهای خشونت آمیز از جمله خشونت های با انگیزه سیاسی (مثلاً جنگ و یا کودتا) و تروریست بی ثبات و یا سرنگون شود را نشان می دهد). ۳- اثربخشی دولت (این مؤلفه آگاهی از کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات کشوری و درجه آزادی و استقلال این خدمات از فشارهای سیاسی، کیفیت تنظیم، تدوین و اجرای سیاست ها و همچنین اعتبار تعهد و التزام دولت به چنین سیاست هایی را نشان می دهد). ۴- کیفیت تنظیم گری مقررات (این مؤلفه آگاهی از توانایی های دولت در تدوین و اجرای سیاست های شفاف و همچنین مقرراتی که جوازها و توسعه بخش خصوصی را ارتقا می دهد را شامل می شود). ۵- تأمین قضایی (این مؤلفه درک و آگاهی از اینکه عوامل اقتصادی به چه میزان بر قوانین جامعه به ویژه کیفیت اجرای قراردادها، حقوق دارایی ها، پلیس و دادگاه ها و نیز احتمال جرم و خشونت اطمینان، ایستادگی و وفاداری دارند را نشان می دهد). ۶- کنترل فساد (این مؤلفه درک اینکه آیا قدرت عمومی در جهت تأمین منافع خصوصی اعمال شده است را افزایش می دهد و اشکال جزئی و کلی فساد و نیز تصرف و تسخیر دولت به وسیله نخبگان سیاسی و علائق خصوصی سیاستمداران را در بر می گیرد).

شاخص کلی بصورت میانگین هندسی از شش مؤلفه فوق حاصل می شود. در ادامه برای بررسی دقیق تر، شش شاخص حکمرانی در سه گروه بصورت زیر طبقه بندی می شوند.

الف) فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می شوند. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون حضور خشونت حاصل می شود^۱ (V&P).

ب) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست های درست. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص اثربخشی دولت و کیفیت تنظیم گری مقررات حاصل می شود^۲ (E&R).

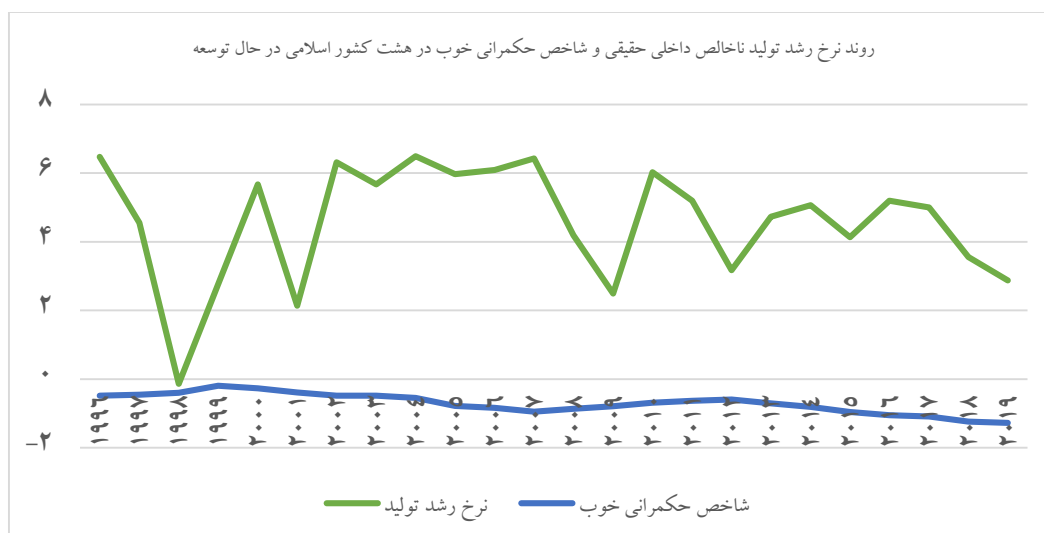
1. Voice and Political

2. Effectiveness and Regulatory

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند. این بخش از میانگین حسابی دو شاخص تأمین قضایی و کنترل فساد حاصل می‌شود (R&C).
 ε نشان‌دهنده جزء خطا، I نشان‌دهنده کشور و t نشان‌دهنده زمان است. شایان ذکر است در این تحقیق با بهره‌گیری از رهیافت انتقال ملایم در داده‌های تابلویی به برآورد مدل در هشت کشور اسلامی در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ پرداخته می‌شود. پایگاه داده‌ها و اطلاعات آماری برای متغیرهای شاخص حکمرانی Worldwide Governance Indicators و برای سایر متغیرهای تحقیق world development indicators و نرم افزار برآورد مدل و تحلیل یافته‌های تحقیق استاتا^۲ نسخه ۱۷ می‌باشد.

نتایج تجربی تحقیق

در این بخش به برآورد مدل پرداخته می‌شود. قبل از برآورد لازم است روند شاخص کل حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی در این گروه از کشورها طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ ترسیم شود که به صورت نمودار زیر می‌باشد:
 نمودار ۱. روند شاخص کل حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی در کشورهای در حال توسعه اسلامی



مأخذ: گزارش شاخص‌های توسعه بانک جهانی (۲۰۲۰)

بر اساس نمودار فوق می‌توان بیان کرد بیشترین میزان رشد اقتصادی در ۸ کشور اسلامی در حال توسعه مربوط به سال ۲۰۰۴ برابر با ۶/۴۹ درصد و کمترین آن برای سال ۱۹۹۸ و برابر با ۰/۱۴- درصد بوده است. در خصوص شاخص کل حکمرانی خوب که عددی بین ۲/۵- تا ۲/۵+ است، بیشترین میزان برابر با ۰/۱۹- و کمترین مقدار ۱/۲۸- است. به عبارت دیگر پایین‌ترین وضعیت شاخص کل حکمرانی خوب برابر با ۱/۲۸- و برای سال ۲۰۱۹ بوده و بهترین وضعیت ۰/۱۹- و مربوط به سال ۱۹۹۹ می‌باشد. به عبارت دیگر میانگین هندسی شش مؤلفه مربوط به شاخص حکمرانی خوب در سال ۱۹۹۹ نسبت به سایر سال‌ها وضعیت مناسب‌تری داشته است. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی و شاخص کل حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه اسلامی به ترتیب برابر با ۴/۵۸ و ۰/۷۱- درصد طی سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۶ می‌باشد. پس از بررسی روند متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی و حکمرانی خوب در ۸ کشور اسلامی در حال توسعه، به منظور

1. Rule and Corruption

2. Stata

برآورد الگو و تفسیر یافته‌های تحقیق، اطمینان از وجود وابستگی بین کشورها با بهره‌گیری از آزمون‌های پسران، فریدمن و فریز بوده که نتایج در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. نتایج آزمون وابستگی بین مقاطع یا کشورهای در حال توسعه اسلامی

مقدار آماره آزمون پسران	مقدار آماره آزمون فریدمن	مقدار آماره آزمون فریز
۱۵/۶۷	۱۳۴/۵۲	۴/۰۸
ارزش احتمال	ارزش احتمال	ارزش احتمال
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بر اساس هر سه آماره آزمون فریدمن، فریز و پسران فرضیه صفر مبنی بر عدم وابستگی بین مقاطع رد شده و وابستگی بین مقاطع برای ۸ کشور در حال توسعه اسلامی در سطح معنی‌دار ۵ درصد تأیید می‌شود. بنابراین لازم است از آزمون‌های ریشه همانند آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته تصحیح شده پسران و فیشر فیلیپس- پرون استفاده نمود که نتایج در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲. نتایج آزمون پایایی متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته تصحیح شده پسران و فیشر فیلیپس- پرون

نام متغیر	GGDP	GCF	HC	FDI	RES	GGI
آماره t بار	-۹/۸۴	-۸/۷۵	۰/۶۸	-۱۴/۴۵	۰/۷۹	-۹/۶۹
ارزش احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۹۵	۰/۰۰۰	۰/۸۶	۰/۰۰۰
نتیجه آزمون	$I(۰)$	$I(۰)$	$I(۱)$	$I(۰)$	$I(۱)$	$I(۰)$
آماره Z	-۷/۶۱	-۵/۷۱	-۰/۷۴	-۵/۷۹	۰/۱۲	-۶/۷۶
ارزش احتمال	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۵۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج آزمون‌های دیکی- فولر تعمیم یافته تصحیح شده پسران و فیشر فیلیپس پرون می‌توان بیان کرد که متغیرهای رشد اقتصادی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص کل حکمرانی خوب دارای مرتبه انباشتگی صفر و سرمایه انسانی و وفور یا فراوانی منابع طبیعی پایا با یک مرتبه تفاضل‌گیری می‌باشند. لذا جهت حصول اطمینان از وجود رابطه بین متغیر وابسته (رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی) با متغیرهای توضیحی از آزمون وسترلاند و اجرتون^۱ (۲۰۰۸) جهت بررسی همجمعی در داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. علت استفاده از این آزمون به جای آزمون‌های متعارف همجمعی مانند کائو و پدرونی این است که این آزمون وابستگی بین مقاطع و شکست ساختاری متغیرها را در نظر گرفته و با توجه به وجود وابستگی بین کشورهای مورد مطالعه این آزمون مناسب می‌باشد که نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

1. Westerlund & Edgerton

جدول ۳. نتایج آزمون همجمعی وسترلاند و اجرتون برای آزمون رابطه تعادلی بلندمدت

Pa	Pt	Ga	Gt	مقدار آماره آزمون
-۱۳/۶۷	-۱۱/۹۸	-۱۱/۴۸	-۳/۰۰۲	مقدار
-۶/۸۴	-۳/۴۸	-۱/۸۴	-۵/۱۴	مقدار آماره Z
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	ارزش احتمال

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون وسترلاند و اجرتون بیانگر این است که فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی برای هر چهار آزمون در تمامی سطوح معنی‌داری ۱، ۵ و ۱۰ درصد رد شده و می‌توان بیان کرد که رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی با متغیرهای شاخص کل حکمرانی خوب و وفور یا فراوانی منابع طبیعی برقرار می‌باشد. در ادامه لازم است ارتباط خطی یا غیرخطی در خصوص الگوی تصریح شده با بهره‌گیری از آماره آزمون فیشر $LRT = [(SSR0 - SSR1)/Km / (SSR0/TN - N - mK)]$ و حداکثر راست‌نمایی $-2[Log(SSR1) - log(SSR0)]$ آزمون شود که نتایج به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول ۴. نتایج آزمون وجود ارتباط خطی یا غیرخطی بین متغیرهای مدل

مقدار آماره آزمون فیشر	۹/۳۴	رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی
مقدار آماره آزمون نسبت راستنمایی	۲۱/۹۸	رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی
ارزش احتمال	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر و وجود رابطه غیرخطی
مقدار میانگین مجذور خطا	۰/۵۶	-----

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین متغیرهای مدل در هشت کشور اسلامی در حال توسعه رابطه غیرخطی برقرار بوده و فرضیه صفر مبنی بر وجود رابطه خطی در تمامی سطوح معنی‌داری رد می‌شود. پس از رد خطی بودن رابطه موجود بین متغیرهای تحت بررسی و انتخاب یک تابع انتقال، در ادامه باید تعداد مکان‌های آستانه‌ای ضروری برای مدل نهایی انتخاب شوند. برای این منظور و به پیروی از کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) و جوید^۱ (۲۰۱۰) دو مدل PSTR با یک و دو حد آستانه‌ای تخمین زده شده و برای هر کدام از آن‌ها مقادیر مجموع مجذور باقیمانده‌ها، معیار شوارتز^۲ و معیار اطلاعات آکائیک^۳ محاسبه گردید. در جدول زیر معیارهای عنوان شده برای هر دو مدل PSTR ارائه شده است. همان‌طور که نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد مقدار مجموع مجذور باقیمانده‌ها در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای، مساوی می‌باشند. لیکن دو معیار شوارتز و آکائیک مقادیر متفاوتی برای حالت‌های وجود یک و دو حد آستانه‌ای ارائه داده‌اند. لذا بر طبق

¹ Jude

² Schwarz Criterion

³ Akaike Information Criterion

نتیجه این دو معیار، یک مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیرخطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌شود.

قبل از تعیین تعداد حدهای آستانه‌ای با استفاده از آماره‌های آزمون F ، F_2 ، F_3 و F_4 ، مدل انتخابی از بین دو روش انتقال ملایم لجستیکی^۱ و نمایی^۲، مدل انتقال ملایم لجستیکی تعیین شده که نتایج به صورت جدول (۵) می‌باشد:

جدول ۵. آزمون انتخاب بین مدل‌های LSTR و ESTR

مدل پیشنهادی	مقدار آماره F4	مقدار آماره F3	مقدار آماره F2	مقدار آماره F
LSTR	۸,۵۴۷۶e-03	۲,۸۱۸۷e-01	۱,۴۶۷۴e-01	۱,۲۰۷۸e-02

منبع: نتایج تحقیق

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد بر اساس هر دو آماره‌های آزمون فیشر، مدل پیشنهادی از بین دو مدل LSTR و ESTR، مدل انتقال ملایم لجستیکی می‌باشد.

جدول ۶. تعیین تعداد مکان‌های آستانه‌ای در یک تابع انتقال

	مجموع مجذور باقیمانده‌ها	معیار شوارتز	معیار آکائیک
m=1	۰/۰۳	-۶/۰۲	-۵/۹۶
m=2	۰/۰۳۲	-۶/۵۶	-۶/۳

منبع: نتایج تحقیق

پس از انتخاب مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای که بیانگر یک مدل دو رژیم است. در ادامه میزان آستانه‌ای، حد پایین و بالای شاخص حکمرانی خوب در سطح اطمینان ۹۵ درصد برآورد شده که در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۷. نتایج تخمین حد آستانه‌ای حد پایین و بالای شاخص حکمرانی خوب برای هشت کشور اسلامی در حال توسعه

میزان حد آستانه‌ای شاخص حکمرانی خوب	حد پایین	حد بالا	سرعت انتقال
-۰/۶۷	-۱/۲۸	-۰/۱۹	۱/۴۶

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج برآورد حد آستانه‌ای نشان می‌دهد میزان حد آستانه‌ای شاخص حکمرانی خوب برابر با $-۰/۶۷$ بوده و اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه اسلامی قبل و بعد از این مقدار متفاوت خواهد بود. از آنجا که مقدار شاخص حکمرانی خوب در ۸ کشور اسلامی در حال توسعه بین $-۱/۲۸$ و $-۰/۱۹$ می‌باشد، لذا انتظار بر این است میزان حد آستانه برآوردشده در دامنه بین حد پایین و بالا باشد. همچنین مقدار حد آستانه برآورد شده در همسایگی مقدار میانگین آن یعنی $-۰/۷۱$ قرار دارد.

علاوه بر این، سرعت انتقال متغیر شاخص حکمرانی خوب برابر با $۱/۴۶$ بوده که آرام و ملایم می‌باشد. به عبارت دیگر در صورتی که سرعت انتقال برای متغیر انتقال کمتر از ۵ باشد، دلالت بر آرام و ملایم بودن متغیر داشته و نشان می‌دهد در رفتار تابع انتقال آن حالت S شکل برقرار می‌باشد (گونزالز و همکاران، ۲۰۱۷).

1. Logistic Smoothing Transition Regression (LSTR)

2. Exponential Smoothing Transition Regression (ESTR)

3. González et al

پس از تعیین پارامترها و سرعت انتقال، تخمین الگو به روش انتقال ملایم در بخش خطی و غیرخطی برآورد شده که نتایج در قالب جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۸. نتایج تخمین مدل به روش PSTR

متغیرهای توضیحی	ضریب برآورد شده	مقدار آماره t	ارزش احتمال (PV)
نتایج بخش خطی			
GGI	۰/۰۷	۲/۸۹	۰/۰۰۴
FDI	۰/۰۹	۱/۸۶	۰/۰۷
HC	۰/۰۶	۴/۹	۰/۰۰۰
GCF	۰/۰۰۴	۱/۹۶	۰/۰۵
RES	۰/۰۲	۲/۱۵	۰/۰۴
نتایج بخش غیر خطی			
GGI	۰/۱۳	۴/۶۵	۰/۰۰۰۰
FDI	۰/۱۵	۳/۹۸	۰/۰۰۰۴
HC	۰/۰۹	۱/۷۴	۰/۰۸
GCF	۰/۰۵	۳/۲۰۸۲	۰/۰۰۱۵
RES	۰/۱۱	۷/۹۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

بر اساس نتایج جدول فوق، نحوه تأثیرگذاری متغیرها در دو وضعیت یا بخش خطی و غیرخطی بدین صورت است که شاخص حکمرانی خوب در هر دو رژیم تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد که البته با گذار از حد آستانه‌ای یا ورود به رژیم دوم یا بالاتر از میانگین، شدت اثرگذاری آن افزایش می‌یابد. انتظار می‌رود در سطوح بالای حکمرانی (سطوح پایین فساد و مقررات زاید و محدودیت‌های سیاسی و سطوح بالای ثبات سیاسی و حاکمیت قانون و اثربخشی دولت) که کیفیت نهادها نیز در سطح بالایی است، تمامی مؤلفه‌های حکمرانی خوب باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی گردیده و موجب تسریع در نرخ رشد اقتصادی گردند.

ضریب تأثیرگذاری سرمایه انسانی در هر دو رژیم مثبت می‌باشد. در این خصوص می‌توان بیان کرد زمانی که حکمرانی و کیفیت نهادها پایین است، در این گروه کشورها سرمایه‌گذاری‌های لازم در نیروی انسانی صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که حکمرانی خوب باعث تخصیص بخش قابل توجهی از بودجه به مخارج آموزشی گشته و آموزش نیروی انسانی نیز از چهار راه باعث رشد اقتصادی می‌شود: (۱) ایجاد نیروی کار مولدتر و بالا بردن سطح دانش و مهارت آنان؛ (۲) فراهم آوردن اشتغال گسترده و فرصت کسب درآمد برای معلمان، کارکنان مدرسه، چاپخانه‌های کتاب‌های درسی و کاغذ، کارخانجات تولیدکننده لباس هم‌شکل برای مدارس و غیره؛ (۳) ایجاد رهبران تحصیلکرده بمنظور اشتغال پست‌هایی که بوسیله متخصصان خارجی خالی شده و یا شغل‌های بلا تصدی در بخش خدمات دولتی، شرکت‌های دولتی، بنگاه‌های اقتصادی خصوصی؛ (۴) احتمالاً فراهم آوردن نوعی آموزش در جهت بالا بردن سطح سواد خواندن و نوشتن و حساب کردن و مهارت‌های اصلی و در عین حال ترویج طرز تفکر جدید در بین طبقات متعدد جمعیت. لذا این متغیر در رژیم دوم با شدت بیشتری در جهت افزایش رشد اقتصادی عمل می‌نماید.

ضرایب و فور منابع طبیعی در هر دو رژیم مثبت است و با انتقال به سطوح بالای حکمرانی خوب (رژیم دوم) شدت تأثیرگذاری مثبت آن افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر با بهبود شاخص حکمرانی خوب و اجزای آن اثر مدیریت منابع

طبیعی بر تولید و رشد اقتصادی نیز بهبود یافته در حالیکه در وضعیت پایین شاخص حکمرانی خوب، و فور منابع طبیعی اثر ناچیز و اندکی بر رشد اقتصادی داشته است. بنابراین اثر بهبود منابع طبیعی در سطح بالای حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی در حال توسعه قابل ملاحظه و چشمگیر می‌باشد.

ضرایب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در هر دو رژیم مثبت بوده و در بخش خطی در سطح ۱۰ درصد به لحاظ آماری معنی‌دار است. با انتقال به سطوح بالای حکمرانی (رژیم دوم) شدت تأثیرگذاری افزایش می‌یابد که این تأثیر، نشان‌دهنده نقش مثبت حکمرانی خوب در افزایش مشارکت در بازار جهانی و جلب سرمایه‌های داخلی و خارجی و افزایش تجارت بین‌المللی این گروه کشورها می‌باشد. ضرایب برآوردشده برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز در هر دو رژیم مثبت و معنی‌دار بوده اما در رژیم دوم یا سطح بالای حکمرانی خوب ضریب تأثیرگذاری آن بر رشد تولید بیشتر از وضعیت پایین شاخص حکمرانی است. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه‌گذاری و میزان تقاضای کل تولید و درآمد افزایش یافته و رشد آن نیز افزایش می‌یابد. در ادامه معیارهای اطلاعاتی مدل برآورد شده در جدول زیر بیان شده است:

جدول ۹ نتایج معیارهای اطلاعاتی برای الگوی تصریح شده

مقدار آماره اطلاعاتی	نام معیار
-۴/۹۵	AIC
۰/۹۸	R ²
۰/۹۷	R ² تعدیل شده

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار آماره آکائیک برابر با -۴/۹۵ و مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۹۸ می‌باشد که دلالت بر پایین بودن میزان خطای مدل برآورد شده و بالا بودن قدرت برازش مدل دارد. پس از برآورد مدل تحقیق، لازم است آزمون‌های تشخیص مدل در خصوص بررسی خودهمبستگی بین جملات اختلال، ناهمسانی واریانس و مناسب بودن تصریح مدل و عدم نیاز به تابع انتقال دیگر انجام شود که نتایج به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول ۱۰. نتایج آزمون‌های تشخیص جملات اختلال

نام آزمون	مقدار آماره آزمون	ارزش احتمال
جارتک- برا (نرمال بودن جملات اختلال)	۰/۶۵	۰/۵۲
ضریب لاگرانژ (ناهمسانی واریانس)	۰/۴۵	۰/۸۹
فیشر (خودهمبستگی)	۱/۲۳	۰/۱۹
ثبات و پایداری پارامترها	۰/۹۴	۰/۲۶
عدم نیاز به تابع انتقال دیگر	۰/۱۶	۰/۹۲

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد الگوی تصریح شده دارای خودهمبستگی، ناهمسانی واریانس نبوده و توزیع جملات اختلال نرمال می‌باشد. همچنین ثبات و پایداری پارامترهای برآورد شده در طول زمان مورد تأیید قرار گرفته و مدل برآورد شده به تابع انتقال دیگری نیاز ندارد. بنابراین به صورت کلی مدل برآوردشده از جهت آزمون‌های تشخیص جملات اختلال مناسب می‌باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد‌های سیاست‌گذاری

در این مطالعه تأثیر نهادها و وفور مدیریت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی هشت کشور اسلامی در حال توسعه طی دوره ۱۹۹۶-۲۰۱۹ با استفاده از مدل انتقال ملایم در داده‌های تابلویی بررسی شد. در همین راستا برای نشان دادن متغیر نهادها، از شاخص‌های حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی ارائه می‌شود، استفاده گردید. نتایج نشان‌دهنده این است که نهادها، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی در هر دو بخش خطی و غیرخطی دارد. همچنین سایر متغیرها شامل انباشت سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، انباشت خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری خارجی و ثروت‌های طبیعی، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارند. همچنین بهبود مدیریت منابع طبیعی نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد. به طور کلی تأثیرگذاری شاخص کلی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ۸ کشور اسلامی در حال توسعه برابر با ۰/۲ بوده که نشان می‌دهد در سطوح بالاتر از حد آستانه‌ای حکمرانی خوب افزایش یک‌واحدی شاخص منجر به افزایش ۰/۲ واحدی رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی می‌شود. یافته‌های حاصل از این پژوهش با چارچوب نظری و مطالعات تجربی آودولاج و همکاران (۲۰۲۱)، سیهام (۲۰۲۰)، جلیلی و سلمانی‌بیشک (۱۳۹۷) و ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۹) همسو و سازگار است. با توجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه بر اساس نتایج حاصل از برآورد مدل موارد زیر به سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای اسلامی در حال توسعه ارائه می‌شود:

- با توجه به تأثیر مورد انتظار متغیر نهادها بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، پیشنهاد می‌شود شاخص‌های شش-گانه نهادها (شفافیت و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون حضور خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم‌گری مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد) بهبود و ارتقاء یابند. این امر می‌تواند با اصلاحات نهادی و ایجاد نهاد‌های سیاسی نظیر آزادی‌های مدنی و سیاسی، احترام به قوانین و کیفیت قوانین و مقررات صورت گیرد.
- با توجه به تأثیرگذاری وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی به ویژه در بخش غیرخطی، پیشنهاد می‌شود وجوه حاصل از فروش این منابع در راستای بهبود ساختار اقتصادی به منظور تبدیل ثروت‌های تجدیدناپذیر به ثروت‌های تجدیدپذیر صورت گیرد. این کار می‌تواند از طریق بهبود مدیریت منابع طبیعی و هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و نوآوری صورت گیرد.
- با توجه به تأثیر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی، پیشنهاد می‌شود با اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه برای جذب هر چه بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها در راستای انتقال دانش و تکنولوژی تولید و نیز ارتقای فناوری داخلی و حرکت بسوی اقتصاد دانش‌بنیان فراهم شود.
- گرچه سرمایه انسانی سبب بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید و افزایش تولید می‌شود. اما در صورتیکه تقاضای نیروی انسانی همگام با عرضه آن رشد نکند، شاهد تأثیر اندک این متغیر بر متغیرهای کلان اقتصادی خواهیم بود. این امر عموماً در کشورهایی رخ می‌دهد که دارای مدیریت نامناسب برای ثروت‌های فراوان طبیعی هستند. زیرا در این کشورها به پشتوانه درآمدهای ناشی از فروش ثروت‌های نفتی، کمتر به عوامل جدید تولید که مبتنی بر دانش هستند (از جمله سرمایه انسانی) توجه می‌گردد و تولیدکنندگان بیشتر به عوامل سنتی تولید (ارزانت‌تر در مقایسه با عوامل جدید تولید بدلیل اتخاذ راهبردهای نامناسب اقتصادی) توجه می‌کنند. لذا ضرورت دارد توجه جدی در خصوص گسترش

بازار سرمایه انسانی از کانال اتخاذ سیاستهای مناسب و هماهنگ سمت عرضه و تقاضای کلان اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد دانش بنیان به منظور دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات صورت گیرد.

منابع

- ابراهیم پور، حبیب، فنوره چی، زهرا، نعمتی، ولی و حمزه‌ای، نسرین (۱۳۹۹)، تحلیل نقش تعدیل‌گر حکمرانی خوب در رابطه بین جهانی شدن و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۰ (۳۶): ۴۰-۶۹.
- اسدی، زیور، بهرامی، جاوید و طالبلو، رضا (۱۳۹۲). تاثیر پدیده نفرین منابع بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در قالب الگوی پانل پویا، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۳ (۱۰): ۹-۲۶.
- ایزدخواستی، حجت (۱۳۹۷)، تحلیل تأثیر کیفیت حکمرانی و ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران: رویکرد رشد درون‌زا، فصلنامه اقتصاد مقاداری، ۱۵ (۴): ۱۶۵-۱۳۵.
- بشیری، عباس و شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی، دو ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۹ (۴۸): ۶۹-۸۱.
- جعفری صمیمی، احمد و اختیاری، شهرام (۱۳۸۸). تأثیر امنیت اقتصادی بر فرآیند رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تأکید بر ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، ۱ (۳): ۹-۳۰.
- جلیلی، زهرا و سلمانی‌بیشک، محمدرضا (۱۳۹۷)، مطالعه رابطه و فور منابع حکمرانی رشد اقتصادی با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۵ (۳): ۱۶۴-۱۳۷.
- رنانی، محسن (۱۳۷۶). بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات، تهران.
- رومر، دیوید (۱۹۸۶). اقتصاد کلان پیشرفته، ترجمه مهدی تقوی، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۱). رابطه حکمرانی با شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورهای برگزیده، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۹ (۲): ۵۳-۷۵.
- شریف‌آزاده، محمدرضا و حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۸۲). تاثیر پذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸). نشریه نامه مفید، ۹ (۳۸): ۱۵۹-۱۹۲.
- صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲). برآورد سهم سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۴۵، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۵ (۱۷): ۷۹-۹۸.
- فاتحی دابانلو، محمدحسین، هژبرکیانی، کامبیز، معمارنژاد، عباس و مهرآرا، محسن (۱۳۹۶)، نهادها و توسعه در کشورهای خاورمیانه، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۱۱ (۳۹): ۱۱۸-۹۹.
- کریمی، محمدشریف، حیدریان، مریم و دورباش، معصومه (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران؛ با رویکرد تصحیح خطای برداری، فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۶ (۱): ۱۵۵-۱۲۷.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۹). بررسی تاثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)، فصلنامه مدیریت، ۷ (۲۰): ۲۷-۴۱.
- الماسی، مجتبی و سپه‌بان قره‌بابا، اصغر (۱۳۸۸). بررسی رابطه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری فیزیکی با رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۰، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۵ (۵۳): ۱۵۷-۱۸۶.
- محمدی، حسین، محمدی، مرتضی و تیرگری، محمد (۱۳۹۶)، بررسی عوامل موثر بر رشد تولید سرانه در گروه‌های مختلف درآمدی در جهان با تأکید بر شاخص‌های حکمرانی، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۸ (۳۰): ۱۴۵-۱۰۹.
- ملکی حسونند، بهزاد، جعفری، محمد، فتاحی، شهرام و غفاری، هادی (۱۳۹۸)، سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹ (۳۴): ۱۱۴-۹۹.
- Acemoglu, D. & Robinson, J. (2012). Why nations fail: Origins of power, prosperity and poverty, <http://www.levine.sscnet.ucla.edu/general/aandreview.pdf>
- Acemoglu, D., Simon, J., Robinson, J. A. & Yunyong, T. (2002). Institutional causes, macroeconomic symptoms: Volatility, crises and growth, CEPR, Discussion Paper No. 3575.
- Aghion, P. & Howitt, P. (1992). A model of growth through creative destruction, *Econometrica*, 60(2), 323-351.

- Aidt, T., Dutta, J. & Sena, V. (2008). Governance regimes, corruption and growth: Theory and evidence, *Journal of Comparative Economics*, 36(2), 195–220.
- Arezki, R., & Van der Ploeg, F. (2010). Do natural resources depress income per capita?. CESifo, Working Paper No. 3056.
- Arshad Khan, M. & Ali Khan, SH. (2011). Foreign direct investment and economic growth in Pakistan: A sectoral analysis, Pakistan Institute of Development Economics, Working Paper No. 2011:67.
- Avdulaj, J. , Merko, F. & Klodian M., (2021). "The Role of Good Governance in Economic Development: Evidence from Eastern European Transition Countries," *Journal Transition Studies Review*, Transition Academia Press, vol. 28(1): 67-76.
- Baldaccia, E., Hillman, A. L. & Kojo, N. C. (2003). Growth, governance, and fiscal policy transmission channels in low-income countries, *European Journal of Political Economy*, 20, 517–549.
- Baltabaev, B. (2013). FDI and total factor productivity growth: new macro evidence, Department of Economics, Monash University, Monash Economics Working Papers No. 27-13
- Barro, R. J. & Lee, J. W. (2013). Educational attainment dataset. www.barrolee.com.
- Bravo-Ortega, C. & De Gregorio, J. (2002). The relative richness of the poor: natural resources, human capital and economic growth, Central Bank of Chile, Working Paper No. 139.
- Carmignani, F., & Chowdhury, A. (2011). The development effects of natural resources: a geographical dimension. William Davidson Institute, Working Paper No.1022.
- Cavacanti, T., Mohaddes, K. & Raissi, M. (2011). Growth, development and natural resources: New evidence using a heterogeneous panel analysis, *Journal of The Quarterly Review of Economics and Finance*, 51(4), 305-318.
- Dias, J. & Tebaldi, E. (2012), Institutions, human capital, and growth: The institutional mechanism, *Structural Change and Economic Dynamics*, 23(3): 300– 312.
- Dunning, J. (1997), The European Internal Market programme and Inbound FDI. Part 1, *Journal of Common Market Studies*, 35: 1-30.
- Fan, R., Fang, Y. & Park, S.Y. (2016). Resource abundance and economic growth in China, *Journal of China Economic Review*, 23(3), 704-719.
- Fayissa, B. & Nsiah, C. (2013). The impact of governance on economic growth: further evidence for Africa, Department of Economics and Finance, Working Paper No. 2010-12.
- Flachaire, E., Garcia-Penalosa, C. & Konte, M. (2014). Political versus economic institutions in the growth process, *Journal of Comparative Economics*, 42(1): 212–229
- Fraussen, G. & Josefsson, H. (2004). FDI & developing countries, how to attract trans- national corporation? School of Economics and Management, LUND University.
- Furman, J. L. & Hayes, R. (2004). Catching up or standing still?: National innovative productivity among ‘follower’ countries, 1978–1999, *Research Policy*, 33(9); 1329–1354
- Gilbert, J. (2003). Trade liberalization and employment in developing economies, *Economie Internationale*, 2-3(94-95), 155-174.
- Golejewska, A. (2010). Human capital and regional growth perspective, Faculty of Economics, University of Gdansk, Poland, Working Paper No. 1204.
- González, A. , Teräsvirta, T. , van Dijk, D. & Yang, Y., (2017). "Panel Smooth Transition Regression Models," SSE/EFI Working Paper Series in Economics and Finance 604, Stockholm School of Economics.
- Gradstein, M. (2002). Rules, stability, and growth, *Journal of Development Economics*, 67(2), 471-484.
- Gylfason, Th. (2001). Natural resources, education, and economic Development, *European Economic Review*, 45, 847-859.
- Hall, R. E. & Charles I. J. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than other? *Quarterly Journal of Economics*, 114(1), 83-116.
- Hamdi, H. & Sbia, R (2013). The relationship between natural resources rents, trade openness and economic growth in Algeria, *Journal of Economics Bulletin*, 23(2), 1649-1659.
- Hisamoglu, E. (2018), EU membership, institutions and growth: The case of Turkey, *Economic Modelling*, 38(1): 211–219.

- Huynh, K.P. & Jacho-Chavez, D.T. (2009). Growth and governance: a nonparametric analysis, *Journal of Comparative Economics*, 37(1), 121-143.
- Iwaisako, T. & Futagami, K. (2013). Patent protection, capital accumulation, and economic growth, *Journal of Economic Theory*, 52(10), 631-668.
- Kangundu, P. (2006). The quality of governance, composition of public Policy research, The World Bank, Working Paper No. 3106.
- Knack, S. (2002). Democracy, governance and growth, University of Michigan Press.
- Kong, T. (2011). Governance quality and economic growth, Australian National University, Working Paper No. 537.
- Landon-Lane, J. & Robertson, P. (2003a). Accumulation and productivity growth in industrializing economies, Department of Economics of Rutgers University, Working Paper No. 200305.
- Landon-Lane, J. & Robertson, P. (2003b). Structural Change, Accumulation and Growth in Developing Economies, Royal Economic Society, Royal Economic Society Annual Conference 2003 No 129.
- Law, S. H and Lim, T. C. and Ismail, N. W. (2013). Institutions and economic development: A Granger causality analysis of panel data evidence, *Economic Systems*, 37(4): 610–624.
- Lucas, R. E. (1988). On the mechanics of economic development, *Journal of Monetary Economics*, 22(1), 3-42.
- Mankiw, N. G. & Shapiro. M. D. (1986). Do we reject too often? Small sample properties of tests of rational expectations models, *Economics Letters*, 20(2), 139-145.
- Matallah, S. (2020), Economic diversification in MENA oil exporters: Understanding the role of governance. *Resources Policy*, 66, Pages: 1-11.
- Neagu, O. (2012). Measuring the effects of human capital on growth in the case of Romania, *Journal of Economics and Applied Informatics*, 1, 83-92.
- Poirson, H. (1998). Economic security, private investment and growth in developing countries, IMF, Working Paper No. 9817.
- Polasek, W., Schwarzbauer, W. & Sellner, R. (2010). Human capital and regional growth in Switzerland, Institute for Advanced Studies, Vienna, Economics Series No. 250.
- Polterovich, V. & Popov, V. (2007). Democratization, quality of institutions and economic growth, MPRA, Working Paper No. 19152.
- Putterman, L. (2013), Institutions, social capability, and economic growth, *Economic Systems*, 37(3): 345–353.
- Romer, P. M. (1990). Endogenous technological change, *Journal of Political Economy*, 98(5), 71-102.
- Sachs, J. D. & Warner, A. M. (2001). Natural resources and economic development: The curse of natural resources, *European Economic Review*, 45, 827-838.
- Sachs, J. D., Warner, A. M., Schmidt-Traub, G., Kruk, M., Bahadur, C., Faye, M. & McCord, G. (2004). Ending Africa's poverty trap, *Brookings Papers on Economic Activity*, 35(1), 117-240.
- Sarmidi, T., Siong, H.L., & Jafari, Y. (2012). Resource curse: new evidence on the role of institutions. MPRA, Working Paper No.37206.
- Schultz, T. W. (1961). Investment in human capital, *American Economic Review*, 51(1-2), 163-184.
- Siddiqui, D. A. and Ahmed, Q. M. (2013), The effect of institutions on economic growth: A global analysis based on GMM dynamic panel estimation, *Structural Change and Economic Dynamics*, 24(1):18– 33.
- Solow, R. M. (1956). A contribution to the theory of economic growth, *The Quarterly Journal of Economics*, 70(1). 65-94.
- Sunde, U. & Vischer, T. (2011). Human capital and growth: specification matters, School of Economics and Political Science, University of St. Gallen, Working Paper No. 1131.
- Tiwari, A. K. & Mutascu, M. (2011). Economic growth and FDI in Asia: A Panel-data approach, *Journal of Economic Analysis and Policy (EAP)*, 41(2), 173-187.
- Torre, N., Afonso, O., & Soares, I. (2010). The connection between oil and economic growth revisited, *Faculdade de Economia, Universidade do Porto, Portugal*, Working Paper No. 377.

- Ugur, M. & Dasgupta, N. (2011). Corruption and economic growth: A meta-analysis of the evidence on low-income countries and beyond, MPRA, Working Paper No. 31226.
- Usui, N. (1997). Dutch disease and policy adjustments to the oil boom: A comparative study of Indonesia and Mexico, *Resources Policy*, 23(4), 151-162.
- Westerluns, J., & Edgerton, D. (2008). A Simple Test for Cointegration in Dependent Panels with Structural Breaks, *Oxford Bull. Econ. Stat.* 70(5), 665– 704.
- World Bank (2020). <http://data.worldbank.org>.

The Non-Linear Effects of Good Governance Index and Natural Recourses Abundance on Economic Growth in D8 Countries (Smoothing Transition Regression in Panel Data)

Abstract

Objective: The relationship between institutions and economic growth is one of the main issues in economic development debates and has been considered empirically in recent years. Hence, the main purpose of this paper is to investigate the effects of institutions and recourses management improvement on economic growth in D8 countries during the period of 1996-2019.

Method: For achieving this, the econometric model has been estimated by applying PSTR method in panel data.

Results: The empirical findings of this study revealed that in every regimes (linear and non-linear) good governance index and natural resource abundance have positive and significant impacts on the economic growth and other explanatory variables such as gross capital formation, FDI and human capital have positive effects on GDP growth in every linear and nonlinear parts. Moreover, the speed of transmission to the nonlinear section for these countries is 1.46.

Conclusion: in the high level of governance accompanied with low corruption, redundant rules, political constraints, all indices of good governance attract domestic and foreign investment and accelerate economic growth.

Keywords: Good Governance Index, Natural Recourses Abundance, Economic Growth, D8 Countries, PSTR Method.

JEL Classification: C23, O47, I25.

